

# درباره تیر و تیرگان

ایرج وامقی  
دکتر در زبان‌شناسی

## آقای مدیر :

مقاله تیرگان - از آقای دکتر پرویز رجبی - که بانثری زیبا و استوار، درباره این جشن دیرینه ایران زمین ، تحقیقی جالب و ارزنده به خواننده شماره اول داده بود ، مرا برآن داشت که این مختصر را ، در متمیم فایده آن به عرض خوانندگان محترم برسانم . اگر قابل عرضه کردن بود امر به درج آن فرمائید .

در بند ۶ ، زیر عنوان « بردباری و امیدواری مردم و نبردشان با اپوشه ! » مرقوم فرموده‌اند : « با این همه گمان نمی‌رود ، با همه نیایش‌ها و جشن و سرورها جز به ندرت در تیرمساه و تیرگان‌های این سرزمین ، بارانسی بر زمین‌های سوخته کشاورزان فقیر فرو ریخته باشد و دقیقاً نیایش به‌خاطر نیاز به باران بوده است نه به‌خاطر فرود آن . شگفتا، که مردم بردبار هرگز دست از امیدشان بر تیرشان نشسته‌اند و تن به یأس نسپرده‌اند . درست است که مردم ایران ، در طول تاریخ دراز آهنگ و پرفراز و نشیب خود هرگز تسلیم دیوناامیدی نشده‌اند و این تداوم حیرت‌انگیز فرهنگ مردم ایران ، خود گواهی راستین بر این مدعاست ، که اگر شده بودند ، همچون امپراطوری‌های آشور و بابل و کلدیه و لودیه و مصر قبل از اسلام ، حالا باید در موزه‌ها به جستجوییشان برآمد - اما در این مورد خاص باید گفت که نظر مؤلف به شرطی درست می‌بود که تیرماه کهن درست در محل همین تیرماه کنونی - یعنی در سی روزه یا سی و یک روزه آغاز تابستان قرار می‌داشت ، درحالی‌که شواهد فراوان - چه در اوستا و ایران پیش از اسلام و چه در ادب فارسی پس از اسلام - نشان می‌دهد

که چنین نبوده است به این بیت فردوسی توجه بفرمائید :

بهار و تموز و زمستان و تیر  
نیاسود هرگز یل شیرگیر

که «تیر» را دقیقاً به معنی «فصل پائیز» به کار برده است و این معنی را در شعر اغلب شعرای تا قرن پنجم و ششم می بینیم، که نمونه های دیگر آن خواهد آمد. اما باید توجه داشت که آن چه نیز در اوستا - تیر یشت - و در گزیده زادسپرم و بندهشن - منقول از اساطیر ایران - ص ۷۶ و بعد آمده است، نیز به رغم نظرنویسنده محترم که «گمان نمی رود ... در تیرماه ... بارانی بر زمین های سوخته کشاورزان فقیر فرو ریخته باشد» صراحت دارد به ریزش فراوان باران «از آن جا که ستاره تیشتر به خرچنگ آبدار، به خرده ازرك<sup>۱</sup> که جانان خوانند، بود. اندر همان روز که اهریمن اندر تاخت به هنگام ایوار (غروب)<sup>۲</sup> از سوی خاوران (= مغرب) ابر به پیدائی آمد، چون هرماهی را اختری خویش است، ماه تیر چهارم ماه از سال و خرچنگ چهارم اختر (= برج) از بره است. به سبب خویشی خرچنگ که تیشتر اندر اوجست، نشان باران سازی نمودار شد. او آب را به بالا، به سوی ابر، به نیروی باد روان کرد... تیشتر به سه تن بگشت. مرد تن، اسب تن و گاو تن. سی شبانه روز اندر روشنی پرواز کرد به هرتنی ده شبانه روز باران کرده (بندهشن نقل از اساطیر ایران ص ۷۶). تمام قرائن که نقل همه آنها لازم نیست، نشان می دهد که تیر، ماه اول پائیز بوده است نه ماه اول تابستان. علی الخصوص، اگر در نظر بگیریم که جشن بزرگ تولد مهر نیز در اول زمستان است - که امروزه نیز با عنوان شب یلدا باقی است - و قاعدتاً این جشن باید در ماه مهر باشد نه در ماه دی، با این حساب مهر نیز در اول زمستان قرار می گیرد، همه این ها نشان می دهد که ما با سال شماری روبرو هستیم که از اول تابستان آغاز می شده است.

در نوروزنامه منسوب به خیام آمده است «این ماه را بدان تیر خوانند که

۱) خرده یکی از منازل سی گانه قمر است در هر برج و Azarag نام یکی از این

منازل است که جانان نامیده می شود (۹).

۲) ایوار در کردی امروز نیز به همین معنی به کار می رود.

اندر او جو و گندم و دیگر چیزها را قسمت کنند.»

در تقسیم‌بندی سال به شش بخش نامساوی، در اوستا، - مقصود گاهان بارها است - گاهان بار سوم، که روز یکصد و هشتادم از سال، یعنی آخر تابستان است که آنرا پتیه شهیم یا Paitis - hahya می‌نامند که معنی تحت‌اللفظی آن دانه‌آور یا گردآوری غله است، که مقصود از آن پایان تابستان می‌باشد. (اساطیر ص ۸ و نیز نگاه کنید به گاه‌شماری در ایران قدیم - تقی‌زاده).

در پایان تابستان، غله گردآوری می‌شود، یعنی اوائل فصل پائیز، و در نوروژنامه این موضوع را به تیرماه منسوب می‌کند، یعنی تیرماه در اول پائیز باید باشد. در لغت فرس اسدی نیز «تیر» به معنی فصل خزان آمده است. و این بیت را به شاهد آورده است.

اگر به تیرمه از جامه بیش باید تیرا چرا برهنه شود بوستان چو آید تیر

عنصری

ابیات زیر مؤید عرایض بالاست :

در اعتدال ربیعی و اعتدال خریفی :

چو تیر تا که بود راست، گشتن شب و روز یکی به وقت بهار و دگر در اول تیر

عنصری

به معنی فصل خزان :

تا همی گردد فصول عالم از گشت فلک گه تموز و گاه تیر و گه زمستان، گه بهار

عنصری

به معنی پائیز مقابل بهار :

گهسی نو بهار آید و گاه تیر جوان است گیتی گه و گاه پیر - اسدی

لاله سرخی یافته از تو به هنگام بهار آبی<sup>۲</sup> از من یافته زردی به گاه تیر، تیر<sup>۳</sup>

قطران

(۱) تیر، به معنی بهره و نصیب.

(۲) «آبی» به معنی میوه «به».

(۳) «تیر» به معنی نصیب.

باخویشتن شمار کن ای هوشیار پیر  
تا بر تو نوبهار چه مایه گذشت و تیر  
تا بر سرت نگشته همی تیر و نوبهار  
چون پرزاغ بود سرت عارضت چوقیر  
گر ماه تیر شیر نباید از آسمان  
بر قیر گون سرت که فروریخته است شیر  
تیر و بهار دهر جفا پیشه خرد خرد  
بر تو همی شمرد و تو خود خفته چون خمیر

### ناصر خسرو

مهرگان مهربان باز آمد و عصر عصیر  
گنج باغ و بوستان را کرد غارت ماه تیر  
چو شست گشت کمان قامت چو تیر، مرا  
چو شست راست بر آمد بهار و تیر مرا

### سوزنی

سال عالم عتف و لطف و مهر و کینت مایه کرد

تا زمستان و بهار آورد و تابستان و تیر

### سوزنی

تسو بهاری و تیسر - حاسد تو  
تسو به از وی ، چو نوبهار از تیر

### سوزنی

کنون که خور به ترا زو رسید و آمد تیر  
شد ندر است شب و روز چون ترا زو، تیر

خزان موافق رأی ترا بود چو بهار  
بهار دشمن ملک ترا بود، چون تیر

### شمس فخری

پیر شد طبع جهان از گردش گردون پیر  
تیر زد بر خیل گرما، لشکر سرمای تیر<sup>۹</sup>

### امیر معزی

بنا بر این به خلاف نظر نویسنده محترم «در تیر ماه و تیرگان های این سرزمین،

بارانی بر زمین های سوخته کشاورزان فقیر، ریخته است.»

۹ برای تفصیل رجوع شود به گاه شماری در ایران قدیم. سید حسن تقی زاده .